

## ❁ تَكَلَّمُوا تَعَرَّفُوا ❁

« تامل و سخن نگفتن باشد / عیب و هنرش نهفته باشد »

## ❁ ← ۲- « مفعول مطلق »

**مفعول مطلق:** مصدری است منصوب ( مَـ ) از جنس فعل که یا برای تأکید فعل جمله به کار می‌رود ( تأکیدی ) و یا برای بیان نوع فعل می‌آید . ( بیانی - نوعی )

مثال: مَنْ أَبْعَدَ لِسَانَهُ عَنِ الْكُذْبِ يُصَدِّقْ كَلَامَهُ تَصَدِيقًا! ( تصدیقاً: مفعول مطلق تأکیدی و منصوب )  
ترجمه: هر کس زبانش را از دروغ دور کند سخنش مسلماً تصدیق می‌شود.

❁❁ اگر بعد از مفعول مطلق، صفت یا مضاف‌الیه بیاید، آن مفعول مطلق، نوعی یا بیانی است. پس اگر صفت یا مضاف‌الیه نباشد، تأکیدی است.

❁ در ترجمه ی مفعول مطلق تأکیدی از قیود تأکید ( مسلماً، بی شک، حتماً، حقیقتاً، ... ) استفاده می‌کنیم.

**مثال:** أَنْفَقْتَ مَالًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنْفَاقًا. ( مالی را در راه خدا قطعاً انفاق کردی )

## مفعول مطلق نوعی + صفت یا مضاف‌الیه

**مثال ۱:** تلا القارئ القرآن تلاوةً حسنةً. ( تلاوةً: مفعول مطلق نوعی و منصوب است زیرا حسنةً صفت برای آن می‌باشد. ) ترجمه: قاری قرآن را به نیکویی تلاوت کرد.

**مثال ۲:** «أنتم تحسنون إلى المساكين إحصان المتقين». چون «إحسان» مصدر منصوب از جنس فعل است و مضاف واقع شده یعنی بعدش مضاف‌الیه (المتقين) آمده است، پس مفعول مطلق نوعی می‌باشد. ترجمه: شما به درماندگان همچون پرهیزگاران نیک می‌کنید!

**نکته ۲:** صفت مفعول مطلق ممکن است جمله وصفی باشد. ( اسمیه یا فعلیه )

**مثال:** فِي الصَّبَاحِ الْبَاكِرِ عِنْدَمَا كُنْتُ فِي النُّومِ دُقُّ بَابِ الْبَيْتِ دَقًّا لَا يُوصَفُ!

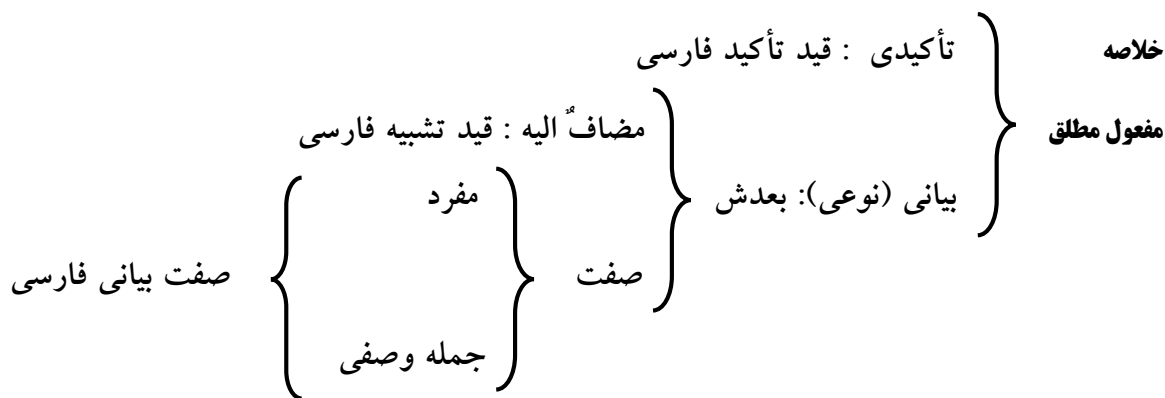
( چون عبارت ( لا یوصف ) بعد از اسم نکره ( دَقًّا ) آمده، جمله وصفی برای آن می‌باشد پس « دَقًّا »: مفعول مطلق نوعی و منصوب است. ترجمه: صبح زود هنگامی که خواب بودم در خانه به گونه ای زده شد که توصیف نمی‌شود.

**مثال ۲:** اجعل من أموالك صدقةً تحاسب في الآخرة حساباً سريعاً! کلمه ی «سريعاً» صفت است و پس « حساباً » مفعول مطلق نوعی یا بیانی است.

**\*\*** در ترجمه ی مفعول مطلق نوعی که با صفت همراه است از صفت‌های بیانی فارسی استفاده می کنیم ( به خوبی، به نیکویی، با دقت، آشکارا، به زیبایی، ...) . ترجمه مثال بالا : از اموالت صدقه ای قرار بده که به سرعت در آخرت به حسابت رسیدگی شود. ( محاسبه شوی )

**\*\*** در ترجمه ی مفعول مطلق نوعی که با مضاف الیه همراه است هم می توان از صفت‌های بیانی فارسی و هم از قید تشبیه فارسی ( مثل ، شبیه ، همچون ، همانند ، مانند ، چون ، ... ) استفاده نمود .

**مثال :** بعیش البخیلُ فی الدنیا عیشَ الفقراء . ( بخیل در دنیا همچون فقراء «فقیرانه» زندگی می کند . )



### تست «مفعول مطلق»

۱- «طالبو العلم فی بلادنا تقدّموا فی جميع المجالات ...». عین المناسب لیبان نوع لفاعل:

(۱) تقدّمًا! (۲) علميًا و خَلْفًا! (۳) مُتقدّمین مجتهدین! (۴) تقدّمًا لم یکن له نظیر!

۲- عین التأكيد للفاعل:

(۱) ما شاهدتُ تنافسًا کتشافس هؤلاء التلميذات فی الدروس!  
 (۲) تنافست التلميذات فی حفظ الدروس تنافسًا عجیبًا!  
 (۳) قد أنعم الله علی الإنسان إنعامًا و لو کان کفورًا!  
 (۴) قد أنعم الله علی البشر إنعامًا وافرًا لعلّه یستقیم!

۳- عین ما لیس فیهِ المفعول المطلق:

(۱) لو عرفت خالک معرفة حقیقیة، آمنت به إیمان المؤمنین!  
 (۲) علیک أن تفکر فی انتخاب الصّدیق المناسب تفکرًا عمیقًا!  
 (۳) إن هذا المصور قد صورّ مناظر جميلة، منها جبال تجری فیها العیون!  
 (۴) کَلّما سعیتُ أن أشکر نعم الله الکثیرة وجدت نفسی عاجزًا من أن أشکره شکرًا یلیق به!

۴- المخاطب یرید أن یدرک کیفیة ذهاب الطالبة فنقول له: ذهبت الطالبة .....

(۱) ذهابًا سریعًا! (۲) سرورًا کثیرًا! (۳) مسرورة! (۴) ذاهبة!

۵- عین ما فیهِ تأکید للفاعل:

(۱) من أبعد لسانه عن الکذب ، یصدّق کلامه تصدیقًا!  
 (۲) علی الإنسان أن یرکّم من علمه تکریمًا حسنًا!  
 (۳) أفرغ قلبک من الحسد، لیبقی إیمانک بقاء غیر زائل!  
 (۴) هم یجاهدون فی سبیل الله مُجاهدةً المتوکّلین!

۱- گزینه (۴) :

مقصود از بیان نوع الفعل همان مفعول مطلق نوعی است. بنابراین در گزینه ها به دنبال مصدر فعلی که در جمله آمده می گردیم، یعنی فعل تَقَدَّمَ که مصدرش می شود (تَقَدَّمَ) و بدنالش یا صفت بیاید یا مضاف الیه. اگر گزینه (۱) را در جای خالی قرار دهیم می شود مفعول مطلق تأکیدی (صفت یا مضاف الیه ندارد). گزینه (۲) هم که مصدر منصوب از جنس فعل نیست. گزینه (۳) اسم فاعل باب تَقَدَّمَ است چون با (م) شروع شده. تَقَدَّمَ در گزینه (۴) مفعول مطلق نوعی است زیرا بعدش جمله وصفی آمده است.

۲- گزینه (۳):

تأکید للفعل یعنی مفعول مطلق تأکیدی!

گزینه ها :

۱- مفعول مطلق ندارد. تَنَافُساً مصدر هست ولی قبلش فعلی از این ریشه و باب نیامده و كِتَافُسٍ ؛ جار و مجرور می باشد.

۲- تَنَافُساً مصدر منصوب از جنس فعل است و بعدش صفت آمده، پس مفعول مطلق نوعی است.

۳- أَنْعَمَ : فعل از باب إفعال و «إنعام» مصدر منصوب آن و چون مضاف الیه یا صفت ندارد ، مفعول مطلق تأکیدی است.

۴- أَنْعَمَ : فعل از باب إفعال و «إنعام» مصدر منصوب آن و «وإفراً» صفت آن است پس «إنعاماً» مفعول مطلق نوعی است.

۳- گزینه (۳):

فعل و مفعول مطلق گزینه های دیگر :

۱) عَرَفْتُ، فعل و معرفةً مفعول مطلق نوعی و حَقِيقَةً، صفت آن است. «إيمان» نیز مفعول مطلق نوعی است ، زیرا مصدری منصوب از جنس فعل « آمَنْتُ» و همچنین مضاف نیز واقع شده است. ۲) تَفَكَّرَ، فعل و تَفَكُّراً، مفعول مطلق نوعی و عمیقاً، صفت آن است. ۳) در این گزینه مصدر منصوبی از جنس فعل وجود ندارد. ۴) أَشْكُرُ، فعل و شُكْرًا، مفعول مطلق نوعی و يَلِيقُ، جمله وصفی برای آن است.

۴- گزینه (۱) :

ترجمه صورت سؤال : مخاطب می خواهد چگونگی رفتن دانش آموز را بداند، پس به او می گوئیم : دانش آموز ..... رفت.

توضیح : اگر کلمه كَيْفِيَّةً از مصدر ( الذَّهَابُ : رفتن ) پرسش کند، در جواب باید مفعول مطلق نوعی بیاید. در نتیجه گزینه (۱) صحیح است که جواب می دهد «به سرعت» . گزینه (۴) ذَاهِبَةً اسم فاعل است و نمی تواند مفعول مطلق واقع شود بلکه حال است.

۵- گزینه (۱):

سؤال مفعول مطلق تأکیدی را می خواهد. در گزینه (۱) يُصَدِّقُ فعل جمله و تَصَدِيقاً مفعول مطلق تأکیدی آن است.

گزینه های دیگر : ۲- تَكْرِيماً : مفعول مطلق نوعی ، حسناً ، صفت آن است و فعلش ؛ يُكْرِمُ . ۳- يَبْقَى ، فعل جمله است و بَقَاءً ، مصدر آن و چون غَيْرَ زَائِلٍ ، صفت برای آن بشمار می رود، مفعول مطلق نوعی است. ۴- يُجَاهِدُونَ فعل و مُجَاهِدَةً، مفعول مطلق نوعی آن می باشد زیرا الْمُتَوَكِّلِينَ مضاف الیه آن است.

« مِنْ اللَّهِ التَّوْفِيقُ »

پایان

